



هدف عرفان‌های نوظهور بدل سازی دین است/ دل پاک با شریعت حاصل می‌شود

حجت الاسلام گریوانی در نشست بررسی شبه عرفان‌های نوظهور در فرهنگسرای امام(ره) گفت: هدف عرفان‌های نوظهور یا کاذب که خاستگاهشان از کشورهای غربی یا شرقی مثل هند است، بدل سازی از بدنه دین است.

حجت الاسلام گریوانی در نشست بررسی شبه عرفان‌های نوظهور در فرهنگسرای امام(ره) گفت: هدف عرفان‌های نوظهور یا کاذب که خاستگاهشان از کشورهای غربی یا شرقی مثل هند است، بدل سازی از بدنه دین است.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست باورهای کاذب، بررسی شبه عرفان‌های نوظهور و آسیب‌شناسی خرده فرهنگ‌های منحرف با سخنرانی حجت الاسلام دکتر مسلم گریوانی عصر دیروز دوشنبه ۹ شهریور در فرهنگسرای امام (ره) برگزار شد.

گریوانی در ابتدا گفت: بحث ما در مورد پدیده و جریان‌هایی تحت عنوان عرفان‌های کاذب یا معنویت‌های نوظهور است. اول با یک خاطره‌ای که یکی از اساتیدم گفته‌اند، بحث را شروع می‌کنم، یکی از اساتید ما شاگرد آیت‌الله جوادی آملی است و در بحث عرفان‌های کاذب و نقد عرفان‌های نوظهور در کشور فعالیت‌های زیادی کرده است. این خاطره را عرض می‌کنم که بدانید این عرفان‌ها در جامعه و بدنه خانواده ما چقدر نفوذ کرده‌اند.

وی افزود: عرفان‌های نوظهور تفاوتی که با مکاتب و مذاهب و عرفان‌های دیگر دارند این است که فلسفه بافی نمی‌کنند، انواع و اقسام خداشناسی را نمی‌آورند، توحید ذاتی و توحید افعالی نمی‌گویند. خیلی کاربردی و عملی کار می‌کنند. بسیاری از ابزارهای جدید مثلاً از درمان‌گری استفاده می‌کنند. استاد ما می‌گوید دوستی داشتیم که در قم بیمار بود، منتظر درمان‌گری برای او بودیم، وقتی آمد دختر جوانی با ظاهری نامناسب وارد شد، درمان را شروع کرد، از او سؤال کردم این درمان‌گری طب جدید است یا طب قدیم، گفت طب ما طب متفاوتی است.

گریوانی گفت: همیشه در متفاوت بودن کلمات شک کنید. دختر گفت طب ما طب مکمل است، طب‌های دیگر ناقص است می‌گفت مکمل! (این کلمه بار معنایی دارد)، دوستم پرسید شما کجا هستید، گفت در تهران هستیم. گفت ما در عرفان‌های حلقه و عرفانی فعالیت داریم، گفتم همانی که ریاستان در زندان است، تا این را گفتم رنگ عوض کرد.

عضو هیأت علمی بنیاد اسرا ادامه داد: در بدنه جامعه و خانواده ما افکار و عرفان‌هایی در قالب جلسات خودشناسی، ایده پردازی، معنویت، حلقه‌های معنوی به اسم عرفان و معنویت تشکیل می‌شود. عرفان‌های نوظهور یا کاذب که خاستگاهشان از کشورهای غربی یا شرقی مثل هند است، هدف همه اینها بدل سازی از بدنه دین است چه دین یهودیت، چه مسیحیت، چه اسلام.

در دنیای غرب وقتی دین رسمی که مسیحیت و یهودیت بود، در همه چیز در علم و نظریات علمی دخالت می‌کرد، وقتی به حاکمیت رسیده بود در همه جا پنجه انداخته بود، طوری که در قرن ۱۷ و ۱۸ امان همه را بریده بود. دانشمندان بریده بودند، برای اینکه در همه چیز دخالت می‌کرد و می‌گفتند باید با آن مبارزه کنید.

وی افزود: وقتی این دین اعتبار خود را از دست داد، دوره‌ای در قرن ۱۷ و ۱۸ به دوره شک معروف شد. می‌گفتند آیا انبیای دین حرفهایشان درست است یا این حرفهای دانشمندان درست است، نمی‌شود با دو دوتا چهارتا مخالفت کرد. شخصیت‌های علمی، فرهنگی، به نام روشنگری در اروپا شکل گرفت. ۵۰ درصد دین بود، ۵۰ درصد علم. اعتبار علم و عقل انسان بیشتر می‌شد، درصد اعتبار دین هم کمتر می‌شد، به طوری که وقتی اسم دین در قرن بیستم می‌آمد، می‌گفتند خرافه است. ادیان و وحی و خدا اعتبارشان را از دست داده‌اند، به تعبیر آن متفکر غربی، خدا مرد. وقتی خدا و دین اعتبارش را از دست داد، مثل این بود که به کسی اعتماد داشتیم، از بس دروغ گفت و با دو دوتا چهارتا مخالفت کرد، اعتبارش را از دست داد و دیگر نمی‌تواند این اعتبار را پیش شما به دست آورد.

عضو هیأت علمی بنیاد اسرا گفت: وقتی دین خدا از دنیای غرب رخت بربست، قتل، خودکشی، اضطراب و افسردگی و بحران‌های هویت زیاد شد، به این نتیجه رسیدند درست است، دین خرافه بود، ولی همین خرافه وقتی رخت بربست، به مصیبت‌های معنوی دچار شدیم. قرآن در سوره طه خیلی جالب می‌گوید «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمًى» (سوره طه/۱۲۴) و هرکس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم! هر کسی پشت به خدا بکند، یاد خدا را فراموش کند، به یک زندگی سخت و تنگ و تار دچار خواهد شد.

که همان بیماریهای روحی و روانی است و ادامه می دهد در قیامت او را کور محشور می کنیم، این کوری چشم نیست، کوری دل است، چون انسانها حیات اخروی شان به رنگ حیات دنیوی است، همان طور محشور می شویم که زندگی کردیم، اگر زندگی ما زندگی جهنمی باشد، آخرتمان هم آخرت جهنمی است. بهشت و جهنم انعکاس روح و رفتارهای ماست، به تعبیر آن دانشمندان جهنم، خشم و غضب، حقد و کینه صفتی نیست که در ما ایجاد می شود، بلکه جهنمی است که با خودمان به این سمت و آن سمت می بریم، جهنمی است که در خودمان است، جهنم آن نیست که ما را می سوزانند.

وی افزود: این طور نیست که خدا مچ گیرد و دنبال مچ گیری از بندگان است، این شکل گیری شخصیت ما است که بهشت و جهنم ما را می سازد، در سوره شعرا قرآن می فرماید *يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ* - روز قیامت روزی است که هیچ چیزی به حال انسان سود نمی بخشد، نه ثروت و فرزند، جز یک چیز، کسی که قلب سالم که ما به او داده بودیم، سالم به ما برگرداند. قلب در قرآن یک تکه گوشت صنوبری نیست بلکه منظور دل انسان است. وقتی قرآن، حیات، قلب، چشم کور به کار می برد، هیچ کدام معنای ظاهری آنها نیست. قرآن، یک چشم، حیات، دنیا و عالم دیگری را در نظر دارد. والا قرآن چه فرقی با کتاب های زیست شناسی می کند.

گريواني

گريواني افزود: با یک جوان پر از شبهه چهار ساعت صحبت کردم، گفت قرآن چه چیز جدیدی دارد، من هم می توانم درست کنم، مثل خداها و بت های دیگری که ستایش می کنند، گفتم قرآن را باز کن یک آیه را بخوان، این آیه آمد آن خدایی است که ابرها را به هم فشرد و بارانی به کام تشنه زمین باراند و زمین را از تشنگی سیراب کرد و آن گاه گیاهانی از زمین رویاند و قیامت هم همچنين است، یعنی آب می بارد، زمین سبز می شود، این سبز شدن حیات مجدد زمین است، قیامت هم همین طور است، انسان متولد می شود، می میرد و دوباره زنده می شود.

وی افزود: کافی است ذهنمان را از عینک های دودی پاک کنیم، فقط با چشم فطرت و دل به سراغ قرآن برویم، زیرا قرآن یک زبان مشترک دارد، آن هم زبان فطرت است، هر کس با آن به سراغ قرآن برود، قواعد درونی اش را بازگو می کند. جوان گفت این آیه چیزی ندارد، علم می گوید آفتاب به دریا می زند، بخار می شود و بخارها فشرده می شوند و ابر تشکیل می شود و پس از رعد و برق باران می بارد. گفتم تفاوت قرآن با آنچه که همه بلدند، آن کلمه اولش است، اوست که باده را می فرستد و بخار تبدیل به ابر می شود و آن را گسیل می دهیم به سمت زمین تشنه.

این مدرس حوزه و دانشگاه یادآور شد: در قرآن چند چیز میت و چند چیز طیب داریم، حیات طیب، بلد طیب، ساکن و خانواده های طیب، شجره های طیب، این طیب مقابل مرده است، اما این کلمه اول که خداست می گویند خداست که این حرکت ها را ایجاد می کند، خدا آمده آن قدرت و ثروت و دست و جمالی که ورای قدرت، ثروت، دست و جمالهست به شما نشان دهد. تفاوت قرآن با سایر کتابها این است، قرآن یک انسان، یک جامعه، یک افق، یک تمدن جدید باز می کند. اگر با همان عینک قرآن بخوانیم و عمل کنیم، قرآن می گوید آن قلب سلیمی که به شما دادیم، همان را به ما برگردانید.

گريواني اظهارداشت: عرفانهای نوظهور هم می گویند دلت پاک و تمیز و قلبت سلیم باشد خورده شیشه نداشته باش اینها مهم است. این آیه هم همین را می گوید اما نکته ظریفی دارد. عرفانهای نوظهور همیشه حرفشان این است دلت پاک و تمیز باشد. ویژگی اینها این است می گویند اعمال و عبادات و مناسک دینی دست و پاگیر است. خدا به دل شما کار دارد آن هم با عشق و محبت به خدا درست می شود.

گريواني بیان کرد: لذا کلید واژه عرفانهای نوظهور عشق و محبت است. اینکه شما با عشق و محبت به خدا می رسید. جریانه ها و عرفانهای انحرافی، ظاهر حرفها و ادعاهایشان شیک و درست است می گویند قلبتان پاک باشد. کتابهای اوشو پر از خدا و عشق به خداست. ویترین و ظاهر و کلمات و مفاهیم همان است اما چرا انحرافی هستند؟ ظرافتی در اینجاست. مثالش همین قلب سلیمی است که قرآن می گوید ما به شما دادیم همان قلب سالم را به ما برگردانید. اما قرآن می گوید در کنار آن باید احکام و شریعت و مناسک دینی انجام شود البته عرفانهای نوظهور هم مراقبه و مدیتیشن دارند.

وی افزود: قرآن در عین اینکه اصل را قلب سلیم می داند می گوید آن روح پرعاطفه و تفکر و حرارتی که به شما دادیم بعد لکه دار و سیاه شد. گفتیم باز می توانید توبه کنید و دوباره آن را پاک نگاه دارید باید سالم به ما تحویل دهید. این آیه نمی گوید روز قیامت کسی نجات پیدا می کند که نماز و روزه با خودش بیاورد. نکته اینجاست که شما زمانی می توانید قلب را تمیز نگه دارید که آن احکام عبادی را اجرایی و عملیاتی کنید و نماز و روزه خمس و زکات و انفاق است که روح را از طغیانگری باز می دارد. صدقه، زکات و انفاق باعث می شوند تعلق خاطر انسان به مال و پول و ثروت از بین برود. زیرا ارزش انسان بیشتر از دنیا است.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: روح بزرگتر از اینهاست نباید دل را به تعلقات دنیا گره زد برای اینکه به آن گره نخورد هر چند صبا‌هی چیزی ببخش و با این کار تعلق خاطر به دنیا از بین می‌رود. قرآن می‌گوید ای پیامبر از ثروت مومنان صدقه بگیر تا پاک شوند. نه اینکه جسمشان پاک می‌شود بلکه قلب و دلشان پاک می‌شود. قرآن می‌فرماید روزه بر شما واجب شد تا قلبتان پاک شود.

گریوانی ادامه داد: تمامی احکام عبادی و دستورات دینی ناظر به رشد شخصیت انسانهاست. تمامی محرمات و مکروهات زایل‌کننده شخصیت انسان است. وقتی به فرزندان از کودکی القا کنیم که خدا همه وقت و همه جا حاضر است حتی اگر تنها هم باشد می‌داند که خدا با اوست و هیچ وقت احساس تنهایی و دلواپسی نمی‌کند. روز حساب و قیامت باعث می‌شود که انسان حق النفس و حق الناس و حق الله را رعایت کند زیرا از خدا می‌ترسد و گناه نمی‌کند.

وی افزود: احساس حضور خدا در همه عرفانهای نوظهور مشترک است. گره گشا هم است. اینها باطل محض نیستند اما انحرافات دارند که اگر اثر کنند کل زندگی انسان را فرو می‌پاشند. مثل آن حرفی که می‌گویند کافی است دلت پاک باشد. خدا می‌فرماید انسان اگر مواظب نباشد طغیان می‌کند. وقتی که انسان از خدا مستغنی شد و احساس بی‌نیازی کرد دیگر منفجر می‌شود. اینکه عقل و علم داریم حرف قشنگی است اما باید بالای سر انسان یک بزرگ کبریایی باشد. زیرا خداوند شایسته بزرگی و کبریایی است.

این مدرس حوزه و دانشگاه یادآور شد: بزرگی خدا هم در احکام و عبادات، خودش را نشان می‌دهد. عقل و علم تنها، انسان را منفجر می‌کنند. در عرفان اوشو است که کسی پرسید خدا چیست و کیست گفت دنبال خدا نگرد خدا در درون توست. در روح توست. خودت را بجو که خدا خود تو هستی. از حضرت علی(ع) هم نقل شده که من عرف نفسه فقد عرف ربه. اما عرفانهای نوظهور نکته ظریفی دارند که می‌گویند خدا تمام وجود توست. خدا روح توست. خدا نور است. خدا رقص است. خدا موسیقی است و ببینید چطوری با کلمات بازی می‌کنند.

گریوانی ابراز داشت: در عرفانهای نوظهور عشق و ایمان به خدا وجود دارد اما بدون داشتن پشتوانه‌های معرفتی. عشق و ایمان به خدا باید با معرفت قلبی باشد و گرنه عشق به خدا لوث و زمینگیر می‌شود. خدا را باید در همه زندگیمان حس کنیم. وقتی از خواب بیدار می‌شویم بگوییم خدا را شکر که زندگی دوباره به من بخشیدی. نماز می‌خوانیم با حضور قلب نماز بخوانیم. اگر خدا را با معرفت‌شناسی وسط راه خدایی نشانت می‌دهند که جذابتر از خدای ماست و لذا باز گرفتار ادیان و مکاتب و عرفانهای انحرافی می‌شویم.